

نتایج سیاسی سقوط هرموز

آبتین امیری *

چکیده

این مقاله در پی آشنایی با یکی از ابعاد پنهان تاریخ هرموز و حمله پرتغالی ها به این جزیره، به عنوان بزرگترین شوک سیاسی در تاریخ آن در قرن دهم هجری است و اینکه این تهاجم چه نتایج دراز مدتی را به همراه داشته است. در این مقاله به تأثیر تاریخ سیاسی و شکل گیری نهضت مقاومت مردمی در هرموز پرداخته شده است. از آنجا که تاریخ سیاسی هرموز تنها محدود به این جزیره نبوده بلکه با مناطق و سواحل پیرامونی در شمال و جنوب خلیج فارس نیز پیوند می خورد، ارزیابی این تاریخ می تواند در هویت یابی خلیج فارس با تأکید بر عنصر ایرانی مؤثر باشد. ملوک هرموز برای قرن ها به عنوان بزرگترین قدرت دریایی منطقه و سدی مقاوم در برابر تهاجم های خارجی عمل کرده اند و در سایه رشد اقتصادی و درآمد سرشار از معاملات تجاری، برتری عنصر ایرانی را در دریانوردی بر مهمترین آبراه های منطقه به نمایش گذاشتند. سقوط هرموز نتایج متعددی را به همراه داشته که مهمترین آن آغاز عصر استعمار در منطقه بود، و این موضوعی است که محور اصلی این پژوهش است.

کلید واژه ها: تاریخ سیاسی، تهاجم استعماری، دیپلماسی پیشگیرانه، مبارزات مردمی.

مقدمه

تاریخ هرموز بازگوکننده هویت و برتری عنصر ایرانی بر خلیج فارس و سایر آبراه های منطقه است. تاریخ هرموز به دو بخش قدیم و جدید تقسیم می شود. در بخش قدیم هرموز به مکانی در نزدیکی میناب کنونی گفته می شد که طی آن ملوک هرموز توانستند با استفاده از قدرت تجاری خود قلمرو خود را در ایران گسترش دهند. «در سال ۶۹۶ ه.ق مهمترین تحول سیاسی در تاریخ هرموز روی داد و آن مهاجرت جمعی و جابجایی پایتخت به جزیره جرون بود. این جزیره، از این پس هرموز نامیده شد. بهاءالدین ایاز امیر هرموز این اقدام را از ترس حمله مغول انجام داد. گذر زمان حکایت از روی کار آمدن پادشاهان مدبر و حکیم در هرموز دارد. یکی از آنها امیر قطب الدین تهمتن بود. ابن بطوطه مراکشی سیاح بزرگ مسلمان در زمان او از هرموز دیدن کرده است و بازارهای نیکو و بندرگاه های بزرگ آن استوار است.» (ابن بطوطه، ۷۶۳۱: ۷۶۳۱) سیاست مدارا و ایجاد امنیت تجاری توسط امرای هرموز سبب جذب سرمایه از ایران، هند و اعراب حوزه خلیج فارس به جزیره شد و طولی نکشید که هرموز به کانون تجارت منطقه تبدیل گشت. با وجود این ملوک هرموز در فرصت مناسب هرگز از سیاست توسعه طلبانه غافل نبودند. با فتح جزیره قیس (کیش) آنها آخرین رقیب دریایی خود را در هم شکستند و در مدتی نه چندان طولانی سواحل هند، سند، خلیج فارس و جزایر آن را از جمله بحرین و قشم به زیر سلطه خود در آوردند.

با روی کار آمدن تورانشاه سوم در سال ۱۴۸ ه.ق عصر شکوفایی علمی هرموز فرا رسید و این امر با مهاجرت علماء، دانشمندان و صوفیان به جزیره و سکونت در آن ممکن شد. اقدام ملوک هرموز با دادن آزادی مذهبی و احترام به اهل علم و دانشمندان و شعراء در عصری که دسته بندی سیاسی و مذهبی شعله های آتش جنگ های ویرانگر را در جهان روشن می کرد، یک سیاست خاص و منحصر به فرد محسوب می شود. شکوه و جلال هرموز تا زمان ورود استعمارگران پرتغالی و تهاجم آن به خلیج فارس ادامه داشت، اما در سایه توپ های آتشین و جنگ نابرابر میان مهاجمان و ساکنین خلیج فارس این شکوه رنگ باخت و با حمله مشترک صفویان و انگلیسی به جزیره در قرن یازده هجری ویرانی کامل جای شکوه آن را گرفت. باین وجود تاریخ هرموز درس های زیادی را از برتری و جاه طلبی حکام این جزیره در سالهای تسلط آنها بر خلیج فارس می دهد و از طرفی، بازگو کننده مقاومت مردمی در برابر سلطه استعمارگران است که بخش های زیادی از آن برای نسل امروز پنهان مانده است.

پیشینه تحقیق

مورخان ایرانی در خصوص علت سقوط هرموز علاوه بر علل نظامی عدم حمایت دولت مرکزی از هرموز در مقابل پرتغالی های عا ملی مؤثر در سقوط این جزیره می دانند. بدلیل مختلف دولت صفوی که در آن زمان در حال قدرت گیری بود حاضر به حمایت از هرموز در مقابل تهاجم پرتغالی ها نشد. این موضوع مورد توجه مورخانی چون «دکتر محمد باقر وثوقی» و «اسمائیل رائین» قرار گرفته است. این سیاست نیز جدا از تأثیر گذاری بر سقوط هرموز دارای تبعات دراز مدت بود که مهمترین آن به صرفه نبودن ایجاد یک نیروی دریایی قوی توسط ایرانیان در خلیج فارس و بی توجهی به این آبراه مهم تا قرن ها بعد بود.

بدین ترتیب تلاش های محدود ایرانیان برای ایجاد یک ناوگان دریایی پس از سقوط هرموز تا قرن بیستم میلادی به جایی نرسید و خلیج فارس با کمترین دردسری جولانگاه حاکمیت دریایی استعمارگران به بهانه حفظ امنیت و مقابله با دزدان دریایی شد.

تجربه تاریخی نشان داد که استعمارگران و در رأس آن انگلیسی ها تا آخرین روزهای حضور خود در خلیج فارس بعد از جنگ جهانی دوم دست از دخالت در امور داخلی مردم منطقه برنداشته و با ایجاد فضای اختلاقی در میان مردم منطقه، میراث مرزهای مناقشه برانگیز یا جدایی کشورها را از یکدیگر برجای گذاشتند، امری که تا به امروز یکی از معضلات جدی خلیج فارس است.

«عباس اقبال» از مورخین تاریخ خلیج فارس در «مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس» در بخش هایی از کتاب خود جنبه های سیاسی تهاجم پرتغالی ها و نتایج حاکمیت آن ها را بر خلیج فارس و جزیره هرموز مورد ارزیابی قرار داده است. اقبال در این کتاب ضمن تشریح کیفیت حمله پرتغالی ها و چگونگی سقوط هرموز توسط آنها یکی از نتایج مهم این تسلط را نابودی حاکمیت سیاسی مستقل هرموز و آغاز دوران جدایی متصرفات هرموز در سواحل خلیج فارس و دریای عمان و پایان تسلط ایرانیان بر خلیج فارس می داند. «دکتر محمد باقر وثوقی» نیز در کتاب «تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار» حمله صفویان به حکومت های محلی در جنوب ایران از جمله هرموز و نادیده گرفتن تجربه دریانوردی آنها را یکی از دلایل ناکامی ایرانیان در دریانوردی خلیج فارس حتی بعد از فتح هرموز می داند و اینکه بدلائل عدم استفاده از عنصر بومی جنوب ایران در دریانوردی، پیروزی بزرگ صفویان در فتح هرموز و اخراج پرتغالی ها سبب تسلط ایرانیان بر خلیج فارس نشد بلکه این امر در دراز مدت سلطه استعمارگران انگلیسی را به همراه داشت.

اهمیت موضوع

تاریخ ملوک هرموز پیوستگی عمیق با دریانوردی ایرانیان دارد. جزیره هرموز به مدت پنج قرن کانون تجارت دریایی و مبادلات اقتصادی در منطقه بوده است. این جزیره کوچک با ایجاد یک نظام تجاری مترقی بخش های بزرگی را از تاریخ دریانوردی ایران رقم زده است. بعد از هخامنشیان و تاریخ دریانوردی ایرانیان در آب های غربی و دریای مدیترانه برای قرن ها دریانوردی ایرانیان تحت تأثیر قدرت های بیگانه بوده است. اما با ظهور ملوک هرموز، برای اولین بار در تاریخ دریانوردی ایرانیان یک قدرت محلی و بومی ایرانی توانست دریانوردی را در خلیج فارس و دریای عرب و اقیانوس هند تحت سلطه خود درآورد.

هرموز از قرن ششم تا یازدهم میلادی یکی از مترقی ترین خطوط دریایی جهان را در عرصه تجارت ایجاد کرد و این امر به رونق و آبادانی هر چه بیشتر جزیره هرموز و بنادر ساحلی تحت پوشش آن ختم شد. سیاحان و جهانگردانی که هرموز را در دوره ی عظمت آن از نزدیک دیده اند، از شهر هرموز به عنوان یکی از زیباترین و آبادترین شهر های بندری جهان یاد کرده اند. اهمیت تجاری هرموز سبب شده تا در آثار و نوشته های مورخان و سیاحان قدیم بیشتر جنبه های اقتصادی و آبادانی آن و تأثیری که بر اقتصاد منطقه، خصوصاً خلیج فارس و شبه جزیره هند و شرق آفریقا داشته است، مورد بررسی قرارگیرد. اما هرموز جزیره ای کوچک با حاکمیت سیاسی مستقل بوده است که بخش های زیادی را از نوار ساحلی

خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند زیر سلطه خود داشته است و این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. (اقبال، ۸۳۳۱: ۷۳۱)

حاکمیت سیاسی مستقل هرموز در نوع خود دارای خصوصیات و ویژگی‌های ممتازی بوده که با ارزیابی آن مشخص می‌شود از شرایط عمومی حاکمیت‌های سیاسی منطقه در عصر خود جلوتر بوده و توانسته الگویی از همزیستی مسالمت آمیز و اتحاد اجتماعی را میان اقوام و مذاهب مختلف بوجود آورد. بدون تردید این حاکمیت سیاسی مستقل سبب تأثیر گذاری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای بر جزایر و سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس شده است که خود این امر تجلی تأثیر تاریخی ایرانیان بر این خلیج مهم برای قرنهای متمادی بوده است. از طرفی، حمله پرتغالی‌ها به عنوان استعمارگرانی که بزرگترین نیروی دریایی جهان را در زمان خود در اختیار داشتند به خلیج فارس و جزیره هرموز سبب برهم خوردن توازن سیاسی و اقتصادی در این منطقه شد و نتایج سیاسی مختلفی را به بار آورد. این حمله سبب شد که همگرایی منطقه‌ای و همزیستی مسالمت آمیزی که ملوک هرموز با تأکید بر هویت ایرانی در منطقه بوجود آورده بودند، دچار گسست جبران ناپذیری شود و اثرات نابودی این هویت بومی و ایجاد حاکمیت استعماری بر خلیج فارس به جای آن قرن‌ها باقی بماند.

از آنجا که اثبات و حفظ هویت خلیج فارس حتی تا امروز موضوعی مناقشه برانگیز می‌باشد، آشنایی با ویژگی‌های سیاسی حاکمیت ملوک هرموز در این خلیج و نتایج سیاسی ناشی از نابودی این حاکمیت توسط استعمارگران می‌تواند مسیر روشنی از حاکمیت سیاسی عنصر ایرانی را در طول قرن‌های گذشته در خلیج فارس نشان دهد و این موضوع، اهمیت این مقاله را مشخص می‌نماید.

اهداف و سئولات پژوهش

هدف کلی:

بررسی تأثیرات سیاسی سقوط هرموز توسط استعمارگران پرتغالی.

اهداف فرعی:

- ۱- بررسی ویژگی‌های نظام سیاسی هرموز.
- ۲- بررسی چگونگی مقاومت هرموز در مقابل تهاجم استعمارگران به این جزیره.
- ۳- بررسی مشخصه‌های مقاومت مردمی و اهالی بومی خلیج فارس در مقابل استعمارگران.
- ۴- بررسی نوع تعامل حکومت مرکزی ایران در خصوص سقوط هرموز.
- ۵- بررسی تأثیر سقوط هرموز به عنوان عنصر ایرانی در دریانوردی خلیج فارس و منطقه.

سئوال اصلی:

سقوط هرموز به عنوان مهمترین قدرت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در مقابل استعمارگران چه نتایج سیاسی دراز مدتی را به همراه داشته است؟

سئولات فرعی:

- ۱- چه عواملی در سقوط ملوک هرموز در مقابل تهاجم استعمارگران مؤثر بوده است؟
- ۲- مشخصه‌های مقاومت نظامی و مردمی هرموز در مقابل استعمارگران چه بوده است؟

۳- تأثیر سقوط هرموز بر اقتصاد و مدنیت در پس کرانه های خلیج فارس چه بوده است؟
 ۴- سقوط دریانوردی بومی و محلی آغاز عصر سلطه استعمار بر دریانوردی خلیج فارس چه پیامد سیاسی به همراه داشته است؟

روش شناسی

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تحلیلی- تاریخی با مراجعه به متون و منابع کتابخانه ای است. البته به شکلی محدود از روش میدانی نیز استفاده شده است. در زمینه جمع آوری مطالب، نظریات و اطلاعات مورد نیاز هم از منابع اولیه (secruos yramirP) و هم ثانویه (yradnoceS) استفاده گردیده است. بدین معنا که جهت استحکام و قوت هر چه بیشتر مطالب علاوه بر گردآوری کتب و مقالات مختلف از کتابخانه های معتبر کشور، از منابع و مقالات و تحلیل های جدید از طریق رجوع به اینترنت استفاده شده است. هدف این بوده که از نظرات و تحلیل های محققان مختلف داخلی و خارجی ولو با دیدگاه های متفاوت در خصوص ماهیت ملوک هرموز و چگونگی و آثار سقوط آن استفاده شود.

مبانی نظری

۱- نظریه اقتصاد سیاسی

« دیوید بیتام » در کتاب «دمکراسی و حقوق بشر» اقتصاد سیاسی را یکی از عناصر تشکیل دهنده دولت ها در طول تاریخ می داند و می نویسد: « هر چند که قدرت نظامی و حاکمیت مطلق به عنوان معیار اقتدار دولت ها و دلیلی برای دوام آنها در طول زمان بوده است، اما در برخی از مواقع این اقتصاد سیاسی بوده است که اقتدار یک حاکمیت را در منطقه تثبیت کرده است. اهمیت اقتصاد سیاسی به حدی است که در قرن نوزدهم، گفتمان آن به گفتمان غالب سیاسی در اروپا تبدیل شد و بزرگترین متفکران سیاسی اروپا از نظریه «اقتصاد زیر بنای جامعه و سیاست است» دفاع کردند. شاید نتوان به طور مطلق بر این موضوع صحنه گذاشت، اما نمی توان انکار کرد که در برخی از مواقع دولت ها یی که از محدودیت های نظامی برخوردار بودند با گسترش ظرفیت اقتصادی خود، سعی کرده اند که از اقتصاد به عنوان ابزاری برای توسعه طلبی استفاده نمایند. طبیعی است که پیشبرد توسعه از طریق اقتصاد در جهانی که هنوز در آن نظام امور بین المللی و تعهدات جهانی در به طور مدرن شکل نگرفته بود، امری شکننده باشد. بدین مفهوم که تا زمانی که این دولت های اقتصادی می توانستند منافع قدرت های منطقه را تأمین نمایند از امنیت برخوردار بودند، اما اگر در نزدیکی آنها دولت توسعه طلبی شکل می گرفت که از قدرت نظامی بالایی برخوردار بود، این اقتصاد سیاسی را درهم می شکست.» (بیتام، ۴۸۳۱: ۳۲)

آنچه که می توان از نظریه « اقتصاد سیاسی » دیوید بیتام استنباط کرد اینست که در برخی از نقاط جهان که دولت شهرها از موقعیت خاص اقتصادی و استراتژیکی برخوردار بوده اند، با تأکید بر رشد اقتصادی و تأمین منافع منطقه ای توانسته اند تأثیر سیاسی عمیقی بر منطقه بگذارند و حتی بر نواحی

پیرامونی خود تسلط سیاسی پیدا کنند. ظهور دولت های اقتصادی در میان یونان باستان، فینیقی ها، ونیز و هرموز در خلیج فارس نشان دهنده ی تأثیر اقتصاد بر سیاست در فضایی است که یک همگرایی منطقه ای بر اساس منافع مشترک دولت ها شکل گرفته باشد.

۲- نظریه جنبش های آزادی بخش

«انروهی وود» در کتاب «درآمدی برایدئولوژی های سیاسی» با طرح این پرسش که آنارشسیسم و جنبش های آزادی بخش در چه زمانی شکل می گیرند، می نویسد: «اساساً جنبش آزادی بخش محصول یک جنگ نابرابر است. هر گاه در یک طرف قدرتی وجود داشته باشد که از امکانات نظامی و پیشرفته عصر خود برخوردار باشد و در طرف دیگر قضیه مردمی باشند که سرزمین آنها مورد اشغال و تجاوز قرار گرفته، اما امکانات آنها محدود باشد، احتمال شکل گیری آنارشسیسم یا جنبش آزادی بخش و مقاومت مردمی وجود دارد. تجربه تاریخی گویای آنست که در جنگ دو دولت نسبتاً هم سطح از نظر نظامی زمانی که یک دولت همچنان در مقابل قدرت تجاوزگر مقاومت می کند جنبش آزادی بخش و مقاومت مردمی شکل نمی گیرد. زیرا در این شرایط جنگ میان دو دولت میان نظامیان طرفین و بصورت کلاسیک ادامه دارد. اما با سقوط دولتی که مورد تهاجم قرار گرفته است و در سایه ناامیدی مردم از بازسازی قدرت نظامی دولیشان یا فروپاشی و نابودی آن، یا اینکه دولتی که سرزمین آن مورد تجاوز قرار گرفته است نسبت به مردم آن بخش از سرزمین خود بی تفاوت باشد، برای مقابله با تجاوزگران جنبش مقاومت مردمی شکل می گیرد. این جنبش معمولاً با هدف ضربه زدن به منافع اشغالگران فعالیت می کند، زیرا مردمی که در این جنبش شرکت دارند، از سلاح نظامی برابری با اشغالگران برخوردار نبوده و تجربه جنگ کلاسیک را ندارند. اما آنها با حملات گاه و بیگاه و پارتیزانی خود فضای اشغالگری را ناامن کرده و در گذر زمان سبب می شوند که ماندن اشغالگران را با هزینه بالا همراه سازند».

طبق نظریه «انروهی وود» اشغال یک منطقه، توسط یک کشور بیگانه و استعمارگران که با ناامیدی از همکاری دولت مرکزی و عدم حمایت آن همراه باشد با مقاومت خودجوش مردمی دراز مدت همراه خواهد بود، بر همین مبنا در بسیاری از سرزمین هایی که استعمارگران پرتغالی آن را به زیر سلطه در آوردند، در درازمدت مقاومت خود جوش مردمی شکل گرفت. حمله پرتغالی ها به خلیج فارس و اشغال جزایر و بنادر ساحلی آن نیز در گذر زمان از تجربه مقاومت مردمی علیه استعمارگران و تلاش برای نا امن کردن اشغالگری آنها برخوردار بوده است.

ویژگی های سیاسی ملوک هرموز پیش از حمله پرتغالی ها

۱- تأثیر اقتصاد بر سیاست

تفوق برتری هرموز بر امور تجاری منطقه در قرن هشتم هجری کامل شد. این امر به دنبال سقوط آخرین آثار حاکمیت مستقل در کیش حاصل شد و هرموز به مدت بیش از یک قرن بدون رقیب بر آبراه مهم دریایی خلیج فارس تسلط یافت. وضعیت سیاسی بهم ریخته جنوب ایران در پایان حاکمیت ایلخانان مغول نیز مزید بر علت شد تا ملوک هرموز امکان بهره مندی بیشتر از شرایط را به دست آوردند. بدین

ترتیب جزیره هرموز یک شهر تجاری و ایستگاه امن دریایی شد. سیاست غیر نظامی کردن محیط جزیره باعث تشویق و ترغیب هر چه بیشتر تجار گردید و امنیت لازم را برای سرمایه گذاران فراهم آورد. مارکوپولو جهانگرد معروف ونیزی در این خصوص می نویسد: « این شهر (هرموز) محل رفت و آمد و داد و ستد بازرگانان هندی است که با خود ادویه و دارو و سنگهای قیمتی و مروارید و منسوجات زربافت و عاج و کالاهای دیگر می آورند. در اینجا آنها اجناس خود را به تجار خارجی واگذار می کنند که وسیله توزیع آن را در تمام دنیا دارند.» (وثوقی، ۴۸۳۱: ۸۵۱)

پادشاهان و حکام هرموز به خوبی می دانستند که حفظ شکوه و عظمت این جزیره کم آب به جلب حمایت سرمایه گذاران داخلی و خارجی بستگی دارد. از اینرو آنان در سیاستگزاری های خود اقتصاد را در صدر اولویت ها قرار می دادند. جنگ، صلح، روابط دیپلماسی و سیاست داخلی هرموز تا حد زیادی متأثر از اقتصاد بود. غالب جهانگردانی که از هرموز دیدن کرده اند به این مسأله اشاره نموده اند که پیوندهای اجتماعی و سیاسی در هرموز متأثر از اصل منفعت مشترک بوده است. همبستگی ها، گسست ها و حتی نزاع ها بر اساس این اصل تعریف می شده است. آنچه که روابط پادشاه را با طبقه اشراف، بازاریان عادی و کارگران که در پایین ترین طبقه اجتماعی هرموز قرار داشتند تعیین می کرد، اقتصاد و منفعت بود. چرا که از پادشاه تا وزیران، و طبقه اشراف گرفته تا سایر ساکن غیر بومی و مهاجر در این جزیره بازرگانانی بودند که موقعیت اجتماعی و قدرت خود را از تجارت و سرمایه خویش کسب کرده بودند. ایجاد گمرکخانه فعال و بازارهای آباد، احداث بنادر فعال، ایجاد امنیت دریایی در خلیج فارس، ساختن ساختمان هایی زیبا و وجود مردم خوش لباس و خوش سلیقه در هرموز در عصری که هنوز جنگ حرف اول را در تعیین ساختار قدرت می زد، به عنوان عاملی برای جذب تجار و ایجاد مرکز تبادل کالا از دورترین نقاط جهان متمدن آن روز عمل می کرد. بدیهی است که در این شرایط اقتصاد عاملی مهم در تصمیم گیری های سیاسی و بین المللی بود، چنانچه پادشاه هرموز در امور مهم همواره با تجار بزرگ مشورت می کرد و بدون در نظر گرفتن منفعت آن ها دست به اقدامی نمی زد. بدین ترتیب بخش اعظم تاریخ هرموز را می توان در تأثیر سیاست از اقتصاد و تجارت تعریف نمود.

۲- دیپلماسی پیشگیرانه

قرن هشتم هجری را برای ملوک هرموز می توان ادامه منطقی سیاست مدارا و سازش با همسایگان قدرتمند فارس و کرمان دانست. سیاستی از سالها پیش در دستور کار حکام هرموز قرار گرفته بود. اعمال چنین سیاستی سبب می شد تا این منطقه اقتصادی از نوسانات شدید سیاسی عصر آسیب نبیند. رویارویی منطقی امرای هرموز با حوادث سیاسی قرن هشتم هجری از جمله عدم مداخله در درگیری های کرمان، فارس و مشاجرات آل اینجو و آل مظفر و کشمکش قدرت میان شاهزادگان آل مظفر و جانشینان تیمور نمونه ای بارز از اعمال سیاست مدارا با همسایگان است که در واقع تضمین کننده حیات اقتصادی هرموز به شمار می آید. (وثوقی ۴۸۳۱: ۳۵۱)

دیپلماسی پیشگیرانه هرموز محدود به حکومت های محلی ایران نبود. آنها با حکومت های حاکم در هند، آفریقا و شبه جزیره عربستان روابط حسنه ای داشتند و با در پیش گرفتن دیپلماسی فعال مانع از تهاجم

آنها می شدند. حکام هرموز در سایه این دیپلماسی فعال، سیاست توسعه طلبانه خود را در خصوص جزایر خلیج فارس و سواحل آن دنبال نمودند. چنانکه در زمان « رکن الدین محمود»، وی با تقویت نیروی دریایی جزیره کلبه ی معابر منطقه را به زیر سلطه خود درآورد و کرانه های جنوبی خلیج فارس را تصرف نمود. تصرف مناطقی از عمان فعلی که قلعات در آن قرار داشت و تسلط بر جزایر کیش، قشم و بحرین، هرموز را به قدرت بلامنازع در خلیج فارس و دریای عمان تبدیل کرد. این حوادث در دوره ی امارت قطب الدین تهمتن صورت گرفت. امیر قطب الدین تهمتن بیست و شش سال حکومت کرد و هنگامی که از دنیا رفت (۷۴۷. ه.ق) هرموز در اوج به قدرت نظامی و اقتصادی قرار داشت.

۳- آزادی مذهبی

حفظ اقتصاد و سیاست آزادی تجارت در هرموز اقتضاء می کرد که سیاست آزادی مذهبی توسط حکام جزیره به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر دنبال شود. مذهب رسمی در هرموز شافعی بود و قضات و علماء و صوفیان شافعی از مشاوران سلاطین محسوب می شدند. اما در کنار مذهب شافعی، دیگر مذاهب و ادیان از حنفیان، شیعه، یهودیان، مسیحیان از فرقه های مختلف مثل نسطوری، یعقوبی، ارمنی و گرجی از آزادی کامل برخوردار بودند. بر اساس همین آزادی بود که خانواده ی معروف رؤسای فالی که از قدرتمندترین اشراف هرموز به شمار می آمدند شیعه مذهب بودند و بر مهرهای خانوادگی خود عبارت بنده ی ناد علی شرف الدین نور الدین را حک کرده بودند.

«استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی تهاجم خود را به سرزمین ها تازه تصرف شده با انگیزه های مقدس مذهبی معرفی می کردند. چنانکه «آلبوکرک» درینورد معروف پرتغالی و فاتح هرموز در کشتار مسلمانان بی رحمی زیادی را خود نشان داد و در جزایر و کرانه های خلیج فارس دست به جنایت زیادی زد. او حتی قصد حمله به مکه و ویرانی کعبه را داشت. اما کشتی های او در دریای سرخ دچار طوفان شدند و بدین ترتیب به هدف خود نائل نیامد». (اقبال، ۸۳۳۱: ۷۱۱)

امامرای هرموز برای اینکه امنیت خاطری به پیروان دیگر ادیان و مذاهب بدهند، در مراسم مذهبی دیگر ادیان شرکت می کردند و برای علماء و اهل علم مذاهب و فرقه های مختلف احترام زیادی قائل بودند. آزادی مذهبی در هرموز به گونه ای بود که در هنگام ورود استعمارگران پرتغالی که مسیحیان متعصبی بودند، بر خلاف دیگر مناطق تصرف شده، در هرموز آنها نیازی به اعطای آزادی به مسیحیان ساکن در هرموز ندیدند و در قرارداد خود بعد از فتح هرموز اشاره ای به این موضوع نکردند. سلاطین هرموز می دانستند که حفظ دستاوردهای اقتصادی بدون آزادی و تساهل مذهبی ممکن نیست، لذا همه ی پیروان ادیان و مذاهب حتی هندوها که بت پرست بودند اجازه ساخت معبد را در هرموز داشتند. «با وجود این شامل مذهبی حکام هرموز به این مساله توجه داشتند که پیروان مذاهب مختلف به یکدیگر توهین نکنند. این بطولیه مراکشی در تشریح اوضاع اجتماعی هرموز به این موضوع اشاره دارد که حکام هرموز اهل سنت و پیرو مذهب شافعی بودند. آنها بر عمان که مردم آن خوارج بودند حکومت می کردند، اما بدلیل سلطه حکام هرموز بر مسقط و قلعات خوارج عمان جرأت بی حرمتی به حضرت علی (ع) را نداشتند».

(این بطولیه، ۰۷۳۱: ۷۱۲)

بطور کلی تساهل دینی در هرموز هر چند که با انگیزه تجاری همراه بوده است، اما از تدبیر، حکمت و بردباری مذهبی حاکمان آن حکایت دارد. این تساهل در عصری که آثار جنگ های مذهبی صلیبی هنوز در سرزمین های اسلامی باقی مانده بود و میان امپراطوری های اسلامی که هریک پیرو مذهب مختلفی بودند آتش جنگ و خونریزی شعله ور بود یک سیاست اجتماعی ویژه محسوب می شود که در قرن ۵۱ و ۶۱ میلادی تنها در هرموز می توان آنرا دید.

۴- نیروی نظامی غیر بومی

یکی از ویژگی های سیاسی ملوک هرموز بکارگیری نیروی نظامی غیر بومی بود. این سیاست نیز در نوع خود در آن دوران منحصر به فرد به حساب می آید. از آنجا که حیات اجتماعی هرموز به رونق اقتصادی حاکم در آن وابسته بود، امنیت بازار و تجارت دریایی از اهمیت فراوانی برخوردار بود. این امر جز از طریق یک نظم داخلی و ایجاد ناوگان تجاری قوی ممکن نبود. حکام هرموز به سرعت این دو موضوع را مورد توجه قرار دادند، لذا گذر زمان از گسترش نفوذ تجاری و نظامی هرموز بر جزایر و کرانه های خلیج فارس حکایت داشت. اما این امر در جزیره ای کوچک و بواسطه ی مردمی که تجارت پیشه بودند چگونه امکان پذیر بود؟ قبلا فینیقی ها این تجربه را کرده بودند که از طریق استخدام مزدور و نیروی نظامی غیر بومی و حرفه ای و کرایه نمودن کشتی ها، سلطه تجاری را با امنیت نظامی و دریایی توأم سازند. «حال بعد از گذشت قرن ها یک تجربه شرقی در خلیج فارس را به وقوع پیوسته بود و حکام هرموز با اتکا به ثروت ناشی از درآمدهای گمرکی و تجاری قدرت های محلی منطقه را به استخدام خود در آورده بودند. جمعیت شهری هرموز در آستانه قرن دهم هجری پنجاه هزار نفر بوده است». (اقتداری، ۵۷۳۱: ۸۷)

هرچند که از ترکیب نیروهای نظامی هرموز اطلاعات درستی در دست نیست، اما شرحی که مورخان از آرایش نظامی هرموز به رهبری خواجه عطاء وزیر کاردان سیف الدین محمد ابانصر در مقابله با تهاجم پرتغالی ها ارائه می دهند به خوبی گویای آنست که نیروهای مزدور خارجی نقش مهمی را در آرایش دفاعی هرموز علیه استعمار گران پرتغالی داشته اند. «خواجه عطاء هنگامی که از یورش پرتغالی ها آگاه شد تیراندازان لار و جلفاری را در خط ساحل مستقر ساخت. دویست تا سیصد کشتی بادبانی کرایه ای در لنگرگاه جزیره حصار را علیه ناوگان پرتغالی ایجاد کردند و جنگجویانی که از اطراف آمده بودند در پشت آنها مستقر شدند. هرموز برای مقابله با حمله پرتغالی ها سی هزار نیرو بسیج کرد و چهار هزار تیرانداز را در نقاط حساس قرار داد. سربازان خراسانی خواجه عطا را در حلقه حفاظت خود گرفته بودند و از او مراقبت می کردند». (وثوقی، ۴۸۳۱: ۳۹۱)

تهاجم ناوگان پرتغال که مجهز به توپ های آتشین بود، صورت گرفت. این بزرگترین جنگی بود که هرموز در تاریخ خود دیده بود. ناوگان پرتغالی قبل از حمله به هرموز در دیگر نقاط از جمله سواحل یمن و عمان به پیروزی های قطعی دست یافته بود و اینبار نیز به واسطه توپ های خود توانست مقاومت هرموز را با غرق کردن صدها کشتی و کشتن سربازان زیادی درهم بشکند. اما این جنگ، با وجود شکست سخت هرموز خود نمایان گر قدرت مانور و بسیج نمودن نیروی منطقه ای توسط هرموز علیه یک تهاجم خارجی است.

۵- قدرت وزیران

در تاریخ هرمزان وزیران کاردان و با نفوذ نقش مهمی را ایفاء نموده اند. وزیران در بسیاری از مواقع بازیگر اصلی سیاست داخلی و خارجی ملوک هرموز بوده اند و فراتر از پادشاهان در امور مختلف دخالت می کردند. رئیس شرف الدین فالی وزیر قدرتمند و با نفوذ هرموز در آغاز قرن دهم هجری بوده و فرزند او نور الدین فالی وزیر سلغر شاه نیز از همین نفوذ برخوردار بوده است. مهرها و دستورات این وزیر کمتر از پادشاه نبوده است.

یکی دیگر از وزرای که نقش مهمی را در تاریخ هرموز ایفاء کرد خواجه عطاء بود. او در بحرانی ترین شرایط و مقارن با حمله پرتغالی ها به خلیج فارس سمت وزارت را در هرموز بر عهده داشت. هنگامی که آلبوکرک دریانورد پرتغالی سرمست از پیروزی های درخشان خود در سواحل عمان با ناوگان خود به سمت هرموز حرکت می کرد، این جزیره دوره ای نسبتاً طولانی را از کشمکشهای داخلی پشت سر گذاشته بود و پادشاه خردسال آن تحت قیومیت و نظارت خواجه عطاء قرار داشت. در سال ۱۱۹۰م.ق او با تدبیر و درایت خود تهاجم گسترده امیر لار به سواحل خلیج فارس را دفع کرد.

براساس اسناد پرتغالی ها در هنگام حمله پرتغالی ها به هرموز خواجه عطاء حاکم واقعی هرموز بود. وی تمامی اهرم های قدرت را به دست داشت با نفوذی که بین تجار خلیج فارس داشت و با صرف مقادیری پول توانست مردم دو ناحیه ساحلی خلیج فارس را علیه استعمارگران پرتغالی بسیج کند.

خواجه عطاء در هنگام ورود پرتغالی ها همه تلاش خود را برای جلوگیری از حمله آنها به هرموز به کار گرفت، اما سیاست خشونت بار پرتغالی ها در عمان و خورفکان جایی برای روابط حسنه باقی نگذاشت. خواجه عطاء پس از آن با بسیج صدها کشتی و تیراندازان ماهر بزرگترین مقاومت دریایی را علیه پرتغالی ها در خلیج فارس تدارک دید. هر چند که این مقاومت در برابر توپ های آتشین کشتی های پرتغالی ها در هم شکست، اما این وزیر کاردان حتی پس از شکست نیز از رفع بلای استعمارگران ناامید نشد و با سیاست انتظار فعال و تفرقه اندازی میان فرماندهان پرتغالی و جلب رضایت گروهی از آنها شورش را در میان سربازان پرتغالی ایجاد کرد که این امر به عقب نشینی نسبی استعمارگران ختم شد و اثرات منفی سلطه پرتغالی ها در هرموز را تا مدتی به تعویق انداخت.

۶- ساختار حکومتی

انتخاب پادشاه در هرموز به نظر و دخالت گروه های قدرتمند اجتماعی و تجار با نفوذ بستگی داشت. معمولاً در یک خاندان هنگامی که یکنفر به پادشاهی می رسید تا چند نسل این سمت میان اقوام یا فرزندان او باقی می ماند. پادشاه در برخی از مواقع دارای قدرت مطلقه بود. این قدرت مطلقه زمانی خود را بیشتر نشان می داد که پادشاه خود از طریق کودتا یا برکنار نمودن یکی از اعضاء خاندان خود به قدرت می رسید. در این شرایط قدرت پادشاه توأم با اقتدار نظامی بود و تا حدی در صعود یا سقوط برخی از خاندان های با نفوذ هرموزی نقش داشت. اما در بیشتر مواقع انتخاب پادشاه در هرموز حاصل ائتلاف گروه های مختلف بود که برای حفظ منافع خود و امنیت جزیره یکنفر را ولو اینکه ضعیف باشد به قدرت می رساندند. در این شرایط پادشاه در حد یک مقام تشریفاتی قرار داشت و این افراد با نفوذ و تجار بودند که

تصمیمات مهم و اساسی را برای جزیره می گرفتند، و در مقاطعی وزراء با نفوذ در روی کار آمدن پادشاهان نقش داشتند.

تقسیمات سیاسی در هرموز تابعی از مناطق زیر سلطه و تحت الحمایه بود. جزیره هرموز پایتخت اول هرموز و بندر قلّهات در عمان پایتخت دوم هرموز بود. بخش هایی از ساحل جنوبی ایران مثل میناب و بندر گامبرون و دیگر مناطق آباد بطور مستقیم زیر نظر هرموز اداره می شد. وضعیت جزایری مثل قشم و سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای عمان نیز چنین بود. اما برخی از بنادر و نواحی تحت الحمایه هرموز بودند بدین ترتیب که امنیت آنها در ازاء خراجی که سالیانه به هرموز می پرداختند تأمین می شد. در میان شهرهای هرموز قلّهات از اهمیت فراوانی برخوردار بود. «یاقوت حمودی» می نویسد که «قلّهات شهری در عمان بوده بر کنار ساحل دریا که اکثر سفاین هند در آن لنگر انداخته بود، و آبادانی فراوانی داشته و متعلق به امیر هرموز بوده است».

بعد از پادشاه مهمترین مقام های حکومتی از آن «وزیر اعظم» و «قاضی القضاة» بود. بعد از آن وزیرانی بودند که هر یک در امور مربوط به خود از اختیارات ویژه ای برخوردار بودند. هرموز جزیره ای مهاجر پذیر بود، از اینرو اختلاط جمعیت بومی با مهاجر آن زیاد بوده است، با این حال فرهنگ حاکم بر آن آمیخته ای از فرهنگ جنوب ایران و اعراب خلیج فارس بوده است. غیر از جمعیت مهاجر تعداد زیادی برده در هرموز مشغول به کار بودند که این گروه از حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار نبودند. نظام پادشاهی هرموز یک نظام مشورتی بوده است، بدین ترتیب که پادشاه بدون مشورت مشاوران خود که افراد خاص بوده اند تصمیم گیری نمی کرد. این شورای مشورتی در مواقع مهم و بحرانی تشکیل می شد. این سیاست تا آخرین روزهای حیات هرموز یعنی فتح آن توسط امام قلی خان ادامه داشت.

نتایج سقوط هرموز

۱- آغاز عصر استعمار

سقوط جزیره هرموز به عنوان قلب تپنده خلیج فارس در سال ۱۲۹۰ ه. ق. سر آغاز فصل جدیدی در خلیج فارس بود. بعد از حمله اسکندر مقدونی به خلیج فارس و فتح آن، اینبار مردم این خطه شاهد حضور قدرتمند تر و بی رحمانه تر اروپایی ها بودند و این بار جزایر خلیج فارس یکی پس از دیگری نه توسط تیراندازان اسکندر بلکه توسط توپ های آتشین آلبوکرک فتح می شد. قدرت ناوگان دریایی پرتغالی ها در سه قاره آمریکا، آفریقا و آسیا به اثبات رسیده بود و نابرابری تجهیزات در جنگ دریایی چیزی نبود که قدرت های محلی از پس آن برآیند. حمله آلبوکرک به جزیره هرموز بسیار سریع و جسورانه بود. در سایه شلیک بی امان توپ های آتشین کشتی های غول پیکر پرتغالی در اندک مدتی صدها فروند کشتی در نزدیکی هرموز به آتش کشیده شد و جسد صدهاتن از سربازان بر روی آب پراکنده شد و بدین ترتیب آلبوکرک مغرورانه پا به جزیره هرموز گذاشت. آلبوکرک که سیاست و تجربه او نیروهای پرتغالی را به فتحی بزرگ در یکی از بزرگترین آبراه های جهان نائل کرده بود، قبلاً خشونت و بی رحمی خود را در مقابل دشمنان به اثبات رسانیده بود. از آنجا که شهرهای ساحلی خلیج فارس برای اولین بار بود که با

این نوع تهاجم روبرو می شد، «طراحی آنها به گونه ای نبود که قادر به مقاومت در مقابل حملات توپخانه ای باشند. از اینرو ناوگان نظامی و فرمانده بی رحم آن توانست بدون مقاومت چشمگیری کلیه بنادر و شهرهای آباد عمان را فتح نماید و با خشونت تمام بسیاری از شهرها را به آتش بکشد و در مسیر خود تمامی کشتی های مسافری و تجاری بومیان را نابود سازد و حتی مردان بومی را به بند اسارت بکشند.» (وثوقی ۴۸۳: ۷۸۱)

با فتح هرموز مهمترین جبهه مقاومت منطقه در هم شکست و پرتغالی ها خیلی سریع سیاست استعمارگری خود را در خلیج فارس آغاز کردند. تضعیف قدرت حاکمیت محلی از طریق دخالت در امور داخلی و نظارت بر امر پادشاه و تحمیل تابعیت پرتغالی برای او، اخذ خراج و غرامت، ایجاد معافیت های گمرکی برای پرتغالی ها، نظارت بر تجارت منطقه، آزادی های خاص دریانوردی و کسب منفعت از تجارت دریایی منطقه امتیازاتی بود که استعمارگران پرتغالی طی قراردادی بر هرموز تحمیل نمودند. از آنجا که پرتغالی ها نیروی کافی برای نظامی گری در منطقه نداشتند مثل سیاست های استعمارگری خود در سراسر دنیا، با تحمیل قراردادهای یکجانبه بر ملت های مغلوب، منطقه را توسط خود آنها با کمک حکام و نیروهای بومی اداره می کردند. این سیاست پرتغالی ها در خلیج فارس، شبه جزیره هند و جنوب شرق آسیا بود. پرتغالی ها با فتح جزایر آباد خلیج فارس اقدام به ساخت دژهای نظامی مستحکمی در این جزایر کردند. این دژها در حقیقت پادگان های نظامی برای کنترل و اداره جزایر بود و از قابلیت های دفاعی بالایی برخوردار بود. قلعه پرتغالی ها در جزیره هرموز کی یکی از مهمترین قلعه های آنها در منطقه محسوب می شد که شهر کوچکی در جزیره هرموز بود و «نوساسین هورا و ویکتوریا» نام داشت. توسعه سیاست استعمارگری پرتغالی ها در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند در درازمدت نابودی به تضعیف دریانوردی محلی منتهی شد. آزادی تجاری که قبل از آن در این آبراه های مهم وجود داشت تحت نظارت شدید پرتغالی ها قرار گرفت و کشتی های تجاری گاه و بی گاه قربانی آزمندی و تجاوز پرتغالی ها می شدند.

۲- بی توجهی شاهان ایرانی به خلیج فارس

هر چند که اکثر مورخان پیروزی های سریع و برق آسای ناوگان دریایی پرتغال در خلیج فارس و اقیانوس هند را حاصل نابرابری تجهیزات نظامی خصوصاً مجهز بودن کشتی های پرتغالی به توپ های آتشین می دانند، اما، حرص و اراده پولادین آلبوکرک و اسلاف او، در جهت فتح و نگهداری جزایر خلیج فارس حتی در بدترین شرایط از یک واقعیت دیگر هم حکایت دارد و اینکه که پادشاهان منطقه به اندازه دریانوردان پرتغالی به اهمیت آبهای خلیج فارس واقف نبودند. در ایران نه تنها از سوی شاه اسماعیل صفوی تلاشی جدی برای جلوگیری از توسعه طلبی پرتغالی ها صورت نگرفت، بلکه بعد از فتح هرموز و تسلط استعمارگران بر خلیج فارس، شاه اسماعیل قراردادی را با آنها امضاء کرد که امنیت سلطه گری آنها را تضمین می کرد در عوض پرتغالی ها را متعهد می ساخت که در شورش های محلی صفویان را یاری کنند. (۶۱۹. ه. ق.)

اما بعد از فتح هرموز توسط پرتغالی ها بی توجهی شاهان ایرانی به خلیج فارس به یک رویه تبدیل شد، بطوری که برای چند قرن بعد خلیج فارس به حیات خلوت استعمارگران تبدیل شد. هر چند که شاه

عباس صفوی در سال ۱۳۰۱ ه.ق موفق به اخراج استعمارگران پرتغالی از هرموز شد، اما این امر توسط ناوگان دریایی محلی صورت نگرفت تا حاکمیت پایدار ایرانی را در خلیج فارس ایجاد کند، بلکه جابجایی نیروهای ایرانی با کمک کمپانی انگلیسی هند شرقی صورت گرفت و از طرفی امتیازات شاه عباس به انگلیسی ها با توجه به تجربه بالای آنها در حاکمیت دریایی، آنها را جایگزین پرتغالی ها در خلیج فارس نمود.

حاکمیت استعمارگران در خلیج فارس حتی با اخراج پرتغالی ها قرن ها ادامه داشت. بعد از پرتغالی ها هلندی ها، انگلیسی ها و فرانسویها خلیج فارس را جولانگاه خود ساختند و حتی برای مدتی امامان عمان و دزدان دریایی از سواحل جنوبی به سواحل شمالی خلیج فارس حمله کرده و آن را به زیر سلطه خود در آوردند. تنها در زمان نادرشاه و در مقطع کوتاهی از دوران زندیه بود که تلاش هایی برای ایجاد یک ناوگان دریایی در خلیج فارس صورت گرفت. اما تلاش ها به نتیجه مطلوب ختم نشد و برای قرن های بعدی نیز خلیج فارس جولانگاه کشمکش قدرت میان بیگانگان شد. در تمام این مدت طولانی شاهان صفوی و قاجار اهمیت جدی برای خلیج فارس قائل نبود و با این عذر که جنوب ایران از نظر کشاورزی و درآمدی برای آنها منفعتی ندارد حاضر به مداخله در آب های جنوبی ایران به نفع حاکمیت ملی نشدند. این سیاست غیر مسئولانه مشکلات زیادی را برای مردم بومی منطقه ایجاد می کرد و در حقیقت آنها را با دست خالی در معرض تهاجم بی رحمانه دشمنان قرار می داد. رواج ظلم و ستم در سواحل و جزایر خلیج فارس، زورگویی استعمارگران، حمله دزدان دریایی و ستم حکام عربی که بعضاً جزایر و شهرهای آباد جنوبی ایران را از پادشاهان یا خوانین اجاره می کردند از نتایج این سیاست غیر مسئولانه بود. درآمد حاصل از این اجاره ها نصیب پادشاهان یا خوانین می شد، اما ظلم و ستم آن متوجه مردم منطقه بود. متأسفانه در کنار امید به کسب منفعت و درآمد، عدم شناخت منطقه نیز عاملی بود تا نیروهای محلی که در کرانه های خلیج فارس از تجربه دریانوردی و مقابله با استعمارگران و بیگانگان برخوردار بودند، رو به نابودی نهند. به عنوان مثال، شاه عباس صفوی در آستانه فتح هرموز بدون توجه به مقاومت بومی و محلی مردم جنوب علیه استعمارگران و اتکاء به تجربه آنها، محوریت امور را به انگلیسی ها سپرده بود. او در منطقه لارستان و سواحل آن دست به جنایات، و غارت گری زیادی زد و به مأمورین خود دستور داد که بر آنها سختگیری نمایند و از سرمایه داران آن قوم مالیات های سنگین بگیرند تا همیشه ضعیف باشند و اندیشه حکومت مستقل را در سر نپروراند به همین دلیل مردم لار، شاه عباس را دشمن می پنداشتند و از حکومت قزلباش بی زار بودند». (فلسفی، ۵۷۳۱: ۶۵۲)

۳- توسعه سیاست استعماری در منطقه

فتح هرموز توسط پرتغالی ها و اشغال آن تبعات سنگین سیاسی و نظامی را برای منطقه به همراه داشت. موقعیت استراتژیک جغرافیایی هرموز و قدرت بالای اقتصادی آن سبب شد تا هرموز به عنوان مرکز اصلی فرماندهی و نظامی گری پرتغالی ها در خلیج فارس و جزایر و کرانه های آن عمل کند و آنها در سایه تسلط بر هرموز، تجارت دریایی منطقه را به دست گیرند. سقوط هرموز به توسعه و گسترش سیاست استعماری پرتغالی ها ختم شد و در سایه این فتح بود که آنها یک قرن نظم آهنین را در جزایر و کرانه های خلیج

فارس ایجاد کردند. پرتغالی‌ها به واسطه تسلط بر هرموز به سود سرشاری دست یافتند که آن اخذ مالیات‌ها و عوارض گمرکی بود. هر گاه مردم یکی از نواحی دست به شورش می‌زدند، پرتغالی‌های جز به سرکوب سنگین این شورش و اخذ غرامت‌های کمرشکن از آن مردم راضی نمی‌شدند. سیاست پرتغالی‌ها در کوتاه مدت حفظ موقعیت تجاری هرموز بود، زیرا هدف آنها از حمله به این جزیره کسب منفعت فراوان از تجارت در خلیج فارس بود، لذا در مدت کمی پس از تهاجم پرتغالی‌ها به هرموز، این جزیره توانست خود را در عرصه تجارت دریایی بازسازی کند و پرتغالی‌ها تضمین‌کننده امنیت این تجارت شدند. اما با گذر زمان آزمندی و حرص پرتغالی‌ها و تحمیل قیمت‌ها و عوارض سنگین رمق را از این جزیره گرفت، تا آنجا که در هنگام فتح آن توسط انگلیسی‌ها و صفویان تنها نامی از عظمت و شکوه گذشته باقی مانده بود. پرتغالی‌ها با تسلط بر هرموز سایر جزایر آباد خلیج فارس را مثل قشم، کیش و بحرین را به زیر سلطه در آورده و آبادی‌های سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس را وادار به اطاعت از خود کردند. آنها با ساخت قلعه‌های نظامی در جزیره هرموز و سایر جزایر و برخی از شهرهای ساحلی هر گونه مقاومت محلی را در هم شکستند، زیرا در صورت شورش از سوی مردم بومی منطقه، قلعه‌های مستحکم پرتغالی همواره از این قابلیت برخوردار بودند که تا زمان رسیدن نیروی کمکی از دیگر مناطق در مقابل شورش‌های محلی مقاومت کند. این امر شرایطی را رقم زد که تا یک قرن، هر گونه مقاومتی محکوم به شکست باشد و پرتغالی‌ها بعد از هر دوره فترت و ضعف سریع خود را بازسازی کنند.

توسعه سیاست استعماری تنها محدود به عصر پرتغالی‌ها نبود، بلکه این تجربه را در اختیار دیگر استعمارگران قرار داد که پس از فتح یک منطقه و ایجاد مرکزیت برای آن از منطقه به توسعه سیاست استعماری خود در دیگر مناطق بپردازند و این روند بعدها از سوی استعمارگران انگلیسی و هلندی‌ها نیز در منطقه دنبال شد.

۴- از بین رفتن فتوحات هرموز

برخی از مورخان مثل «ابن مجاور» از متصرفات هرموز مثل قلعات یاد کرده‌اند و آنرا بندرگاه صدور اسبان تازی به سمت خوارزم دانسته است. یورش هولاکوخان از نوادگان چنگیزخان مغول در قرن هفتم هجری به ایران سبب افزایش اهمیت و قدرت هرموز شد و طولی نکشید که ملوک هرموز نوار ساحلی عمان و امارات فعلی را به تصرف خود در آوردند. شبانکاره‌ای اشاره می‌کند که قیس (کیش)، بحرین، جلفار، عدن، قطیف و نزوه جز ملوک هرموز بوده‌اند.

برخی دیگر از مورخان به این موضوع اشاره کرده‌اند که برخی از شهرهای ساحلی هند و نواحی سندو مکران شرقی تحت سلطه ملوک هرموز بوده‌اند. پادشاهان بعدی هرموز مثل رکن‌الدین محمود بر توسعه متصرفات هرموز افزودند و بدین ترتیب هرموز به قدرت بلامنازع آب‌های خلیج فارس و غرب اقیانوس هند تبدیل شد. اگر به این سرزمین‌های تحت سلطه ملوک هرموز، نواحی شمالی خلیج فارس و شهرهایی مثل میناب و جزایر خلیج فارس مثل قشم اضافه کنیم، می‌توان تصور کرد که هرموز با چه اقتداری آبراه‌ها و تجارت دریایی منطقه را به دست داشته است. پس در معنای قدیم هرموز تنها محدود به جزیره هرمز فعلی نبوده، بلکه سرزمینی بزرگ با حکومتی مقتدر در منطقه بوده است. نخستین مسافر اروپایی که در

سال ۸۱۷ ه.ق از شهر هرموز دیدن می کند اشاره می کند که هرموز شهری است با حصارهای قوی و با بازارهای مملو از کالای ارزشمند و فراوان که گوشت و ماهی به وفور در آن یافت می شود و پنج مایل از سرزمین اصلی ایران فاصله دارد. (وثوقی ، ۴۸۳۱ : ۴۵۱)

ابن بطوطه مراکشی نیز در مورد شهر هرموز می گوید که شهری نیکو دارای بازارهای خوب است که بندرگاه هند و سند است و مال التجاره های هندوستان از این شهر به عراق عرب و عجم و خراسان حمل می شود. اما این عظمت با حمله دریایی استعمارگران پرتغالی از هم پاشید و متصرفات هرموز یکی پس از دیگری در زیر آتش های توپ های پرتغالی ویران شد. برخی از آنها مثل قلقات بکلی نابود شد و هرگز نتوانست عظمت گذشته را بدست آورد و برخی دیگر به پادگان پرتغالی ها تبدیل گشت.

اقدامات ویرانگر « آلفونسو آلبوکرک » در تصرف رأس الحد ، مسقط ، قلقات ، خورفکان به نابودی قلمرو ساحلی هرموز در عمان انجامید و پس از تصرف جزیره هرموز عملاً تمامی متصرفات هرموز به زیر سلطه پرتغالی رفت . با گذر زمان از هرموز جزء جزیره کوچکی که ما امروزه آن را به عنوان جزیره هرمز می شناسم باقی نماند و این جزیره در هنگام فتح ، توسط نیروهای مشترک ایرانی و انگلیسی ، تنها زاویه ای کوچک از گذشته با عظمت خود بود.

۵- نابودی اقتصاد سیاسی در خلیج فارس

هرموز قبل از حمله پرتغالی ها شهری خاص در عصر خود بود. یک مسافر اروپایی که بیش از آمدن پرتغالی ها هرموز را دیده است اشاره می کند که منظره این شهر در نظر تجار و مسافین خارجی از سایر بلاد مشرق زمین زیباتر و مجلل تر جلوه می کرد . مردمان مختلفی از جمیع نقاط عالم بدانجا آمده و کالا و مال التجاره خود را با ادب و احترام کاملی که در هیچ یک از مراکز تجاری دیگر دنیا نظیر آن دیده نمی شود ، با هم معاوضه می کردند . کف کوچه ها را با حصیر و در بعضی نقاط با قالی مفروش ساخته بودند و برای جلوگیری از حرارت شدید آفتاب پرده های کتانی قشنگ در مقابل خانه ها آویخته بودند. اهالی در اتاقهای خود گلدانهای چینی پر از گل و ریاحین قرار می دادند. شترهای زیادی با مشکهایی پر از آب همیشه در میدان عمومی شهر حاضر بودند. شراب های ایرانی و عطریات و انواع میوه ها و خوردنیها به وفور یافت می شد و عالی ترین موسیقی های شرقی را می توان در آنجا شنید. خلاصه اینکه تحول و ثروت و تجارت و ادب و نجابت با هم متفق شده و این شهر را مرکز آسایش و سعادت ساخته بود. (وثوقی ، ۴۸۳۱ : ۴۴۱)

اقتصاد قدرتمند جزیره سبب سکونت بسیاری از تجار در آن شده بود و از طرفی اقتصاد بسیاری از مناطق مثل کرانه های ساحلی هند ، سند ، زنگبار و جزایر و سواحل خلیج فارس بطور مستقیم متأثر از قدرت اقتصادی هرموز بود و همین قدرت اقتصادی بود که قدرت سیاسی هرموز را بر این نواحی تحمیل می نمود تا برخی از حکام محلی از روی اراده و بر مبنای منفعت خود تابعیت ملوک هرموز را بپذیرند.

حمله پرتغالی ها بر هم زنده ی این توازن اقتصادی بود. این حمله چنان اثر مخربی بر موجودیت هرموز نهاد که برخی از آن به عنوان یکی از شگفتی های سیاسی بزرگ قرن هفدهم میلادی یاد کرده اند. این سقوط سریع ، ناگهانی و ناباورانه بود. پرچمدار این سیاست ویرانگر آلبوکرک بود که در اولین حمله خود به نواحی ساحلی عمان ، تمامی مناطق شهری و مسکونی آن را منهدم ساخت و ضایعات انسانی و اقتصادی

جبران ناپذیری را بر جا گذاشت. پادشاه هرموز پس از حمله آلبوکرک عملاً مناطق پس کرانه ای خود را در سواحل عمان از دست داد و موج جابجایی جمعیت و مهاجرت ها خسارات بیشتری به بار آورد. اولین قربانی این تهاجمات بندر مهم قلهاط بود که از آن به عنوان پایتخت دوم هرموز یاد کرده اند. این شهر هرگز آبادانی و رونق گذشته را به دست نیاورد و به تدریج از صحنه اقتصادی منطقه حذف شد. (وثوقی، ۴۸۳۱: ۳۴۲)

با حمله پرتغالی ها همبستگی اجتماعی و جغرافیایی منطقه از هم پاشید و اقتصاد و امنیت که به ایجاد یک الگوی جدید از حاکمیت سیاسی در منطقه و خلیج فارس تبدیل شده بود، تأثیر خود را از دست داد. تجارت دریایی و منفعت حاصل از آن که سبب به هم پیوستگی شهرها و بنادر ساحلی منطقه شده بود به ناامنی، غارت و اخذ عوارض سنگین گمرکی آلوده شد و بدین ترتیب برتری اقتصاد بر سیاست در منطقه از بین رفت و زورگویی و نظامی گری جای آن را گرفت.

۶- شکل گری نهضت های مقاومت مردمی در منطقه

استعمارگران علیرغم برتری تجهیزاتی و نظامی خود و تصرف پی در پی شهرهای ساحلی منطقه هیچگاه نتوانستند سلطه گری آرام و بدون دردسری را تجربه کنند. در اولین روزهای تصرف هرموز توسط پرتغالی ها «خواجه عطاء» وزیر کاردان هرموز با بکارگیری سیاست انتظار فعال همواره بدنال ضربه زدن به منافع استعمارگران و آزادسازی جزیره بود. او توانست با آگاهی یافتن از تعداد مهاجمان در بین برخی از فرماندهان پرتغالی رخنه کند و آنها را علیه آلبوکرک بشوراند. اقدامات خواجه عطاء مشکلات زیادی برای آلبوکرک ایجاد کرد و از آن جا که اداره متصرفات مختلف در هند و خلیج فارس به طور همزمان به آسانی ممکن نبود، او بدلیل تلاش های خواجه عطاء بارها مجبور به عقب نشینی از جزیره شد. با گذر زمان و تحکیم سلطه پرتغالی ها مأموران پرتغالی بر ظلم و تعدی خود افزودند و این امر کاسه صبر مردم بومی را لبریز نمود. یکی از مأموران دولتی در سال ۷۱۰۱ ه.ق نامه ای خطاب به پادشاه اسپانیا که متولی متصرفات پرتغالی بود می نویسد که در هرموز مأموران دولتی پرتغالی به جای اینکه مردم را در رونق تجاری و اقتصادی کمک کنند با تهدید و ارباب و فشار تجار را مورد آزار قرار می دهند و عامل بسیاری از ناامنی ها، دزدی ها و حملات گاه و بیگاه به افراد نظامی قلعه هستند. این آزمندی در نهایت سبب شکل گیری نهضت مقاومت مردمی در حد بضاعت مردم محلی منطقه شد.

رئیس شرف الدین فالی که از رؤسای یکی از خاندان قدرتمند هرموز بود از اولین کسانی است که رهبری مبارزه با استعمار پرتغالی را بر عهده گرفت. مقاومت های او سبب شد تا پرتغالی ها علیرغم تصرف دوباره هرموز از مواضع اولیه خود کوتاه بیایند. قیام رئیس شرف الدین از قهات در عمان آغاز شد و سبب شد تا پرتغالی ها برای اولین باره طعم شکست را از نیروهای محلی در منطقه بچشند. با اینحال اکثر قیام های محلی با رسیدن نیروهای کمکی از هند برای پرتغالی ها سرکوب می شد. هر قیامی که در هرموز رخ می داد مدت ها طول می کشید تا توسط پرتغالی ها سرکوب شود. برخی از مواقع سرکوبی یک قیام مردمی تا دو دهه طول می کشید. این قیام ها و آشوب ها علیه اشغال گری وضعیت اقتصاد و امنیت هرموز را نا به سامان می ساخت. دلیل اصلی این قیام ها خشونت گرایی افراطی پرتغالی ها و نادیده گرفتن اصول اولیه

انسانی توسط آنها بود. ظلم و ستم اشغالگران پرتغالی برای مردمی که قرن ها در آزادیگی زیسته بودند و از درآمد زحمات خود امرار معاش کرده بودند و سفره کرم و بخشش آنها در سراسر منطقه معروف بود، قابل تحمل نبود. مردم هرموز و دیگر شهرهای ساحلی هرگاه از مشغولیت پرتغالی ها یا وقوع یک شورش در دیگر متصرفات آنها مثل هند با خبر می شدند دست به قیام می زدند. در این هنگام برتری سلاح، استفاده از توپ و قلعه های محکم و نفوذ ناپذیر دلیل برتری استعمارگران بر مردم بومی بود. معمولاً این قیام ها با دادن تلفات سنگین از سوی بومی ها سرکوب می شد و در پی آن آبادانی ها را تبدیل به ویرانه می گشت. وقوع قیام های پی در پی موجب نظامی گری بیشتر پرتغالی ها شد و سبب شد تا آنها بیشتر از نیروهای دست نشانده و خود فروخته به عنوان حکام محلی استفاده کنند. این روش به بدبختی و شکست بیشتر مردم منطقه ختم می شد، زیرا این حکام خائن در لحظات حساس و نفسگیر با خیانت خود سبب شکست قیام های مردمی می شدند.

نکته قابل توجه در این قیام ها عدم حمایت دولت های مرکزی و سایر دولت های منطقه در حمایت از مردم بومی بود. بطوریکه آنها با دست خالی به جنگی نابرابر علیه استعمارگران می شتافتند. تجربه حمله به هرموز و فتح آن توسط امام قلی خان در زمان شاه عباس صفوی نیز نشان داد که دولت های مرکزی اهمیتی برای نیروهای بومی قائل نبودند و قبل از اخراج پرتغالی ها به نابودی این نیروها که سابقه یک قرن مقاومت در مقابل اشغالگران داشتند، پرداختند و بدون همکاری آنها و با اتحاد با نیروهای بیگانه انگلیسی، به جنگ استعمارگران پرتغالی رفتند.

چگونگی سقوط هرموز

حمله به هرموز پس از کسب پیروزی های پی در پی پرتغالی ها در شبه جزیره هند حاصل شد. آنها پس از پیروزی های برق آسای خود در این نواحی متوجه خلیج فارس شدند و ابتدا بنادر ساحل جنوبی عمان و خلیج فارس را تصرف نمودند. پرتغالی ها در ابتدا در چند نوبت کشتی های متعلق به هرموز را مصادره کرده یا به آتش کشیدند و بدین ترتیب در امنیت دریایی کشتی های هرموز ایجاد اختلال نمودند. در این شرایط اخباری که به هرموز می رسید همه حکایت از حمله قریب الوقوع پرتغالی ها به این جزیره داشت. در آن ایام پادشاه هرموز سیف الدین محمد ابانصر ده ساله بود، اما وزیر کاردان او خواه عطاء به خوبی از عمق خطر آگاه بود، لذا کشتی هایی را که در بندر هرموز لنگر انداخته بودند را توقیف کرد و مانع از جابجایی سربازان مهاجم از طریق آنها شد. او با تجربه ترین تیراندازان را از لار و جلفار به خدمت گرفت و با دویست کشتی بادبانی حلقه ای را در اطراف جزیره ایجاد کرد. در هنگام دفاع هرموز در مقابل حمله پرتغالی ها تعداد سربازان هرموز سی هزار نفر و تیراندازان چهار هزار نفر بودند.

اما تمامی این تدابیر برای دفاع در مقابل ناوگان قدرتمند پرتغالی کافی نبود زیرا از سویی کشتی های پرتغالی به توپ ها آتشین مجهز بودند، در حالی که سربازان هرموز با شمشیر و تیر و کمان می جنگیدند و از طرفی سربازان هرموزی اولین بار رویارویی با این سلاح های آتشین را تجربه می کردند. لذا آرایش دفاعی آنها برای مقابله با توپ های آتشین پرتغالی مناسب نبود. با شلیک اولین توپ ها به سمت هرموز چندین کشتی غرق شد یا در آتش سوخت. از غرش توپ های کشتی های پرتغالی دوده های زیادی ایجاد

می شد تا آنجا که جلو دید آنها را می گرفت. قایق های حامل سربازان هرموزی از این فرصت استفاده کردند و خود را به نزدیک کشتی های پرتغالی رساندند و از آن جا که آنها تیراندازان ماهری بودند تعدادی از پرتغالی ها را از پای در آورده یا زخمی کردند. پرتغالی ها بعد از دادن تلفات متوجه تاکتیک هرموزی ها شدند و بدین ترتیب توپ ها را از سمت اطراف شهر به سمت کشتی ها و قایق های نزدیک نشانه گرفتند. طولی نکشید با هر غرش توپ ها، کشتی های هرموزی که بدون دفاع بودند بطور پی در پی غرق می شدند و بدنبال آن جسد صدها سرباز بر روی آب می افتاد. این آغازی برای یک پیروزی دریایی بزرگ برای پرتغالی ها بود. پرتغالی ها با اتکاء به توپ های آتشین یک قدرت دیگر شرقی را درهم شکستند و فرمانده آنها، آلبوکرک، پای به خاک هرموز نهاد. در سال ۳۱۹ه.ق قراردادی میان پرتغالی ها و هرموزی ها بسته شد که معنای آن تسلط کامل پرتغالی ها بر حکومت و تجارت هرموز بود و این حکایت از آغاز عصر نوینی در تاریخ هرموز داشت. پرتغالی ها پس از فتح هرموز اقدام به ساخت دژ محکمی در این جزیره نمودند. هدف آنها از این دژ حفظ قدرت نظامی آنها در هرموز و خلیج فارس بود.

خواجه عطاء بعد از این شکست همواره مترصد فرصتی بود تا ضربه ای به پرتغالی ها وارد کند. او با نفوذ در میان سربازان پرتغالی از اختلافات میان فرماندهان آنها آگاه شد و به این اختلافات دامن زد. او توانست چند تن از نظامیان را جذب خود کرد و بعد از مدتی آنها به دین اسلام گرویدند. بر اساس این اقدامات خواجه عطاء بود که آلبوکرک بار دیگر هرموز را به توپ بست و راه آب آشامیدنی به شهر را مسدود کرد. خواجه عطاء برای این اقدامات آلبوکرک پیش بینی لازم را کرده بود و با استفاده از آب انبارهای بزرگ مقاومت جزیره را در مقابل محاصره پرتغالی ها حفظ کرد. اما پرتغالی ها با کشتن تعداد زیادی از هرموزی ها و انداختن آنها در داخل چاهها و آب انبارها مردم را از آب آشامیدنی محروم کردند. با این وجود هرموز به رهبری خواجه حاضر نبود که در مقابل پرتغال ها تسلیم شود و در مقابل گلوله باران و کشتار آنها مقاومت کرد. بعد از چند روز کشمکش تلاش های خواجه عطاء نتیجه داد و با نفوذ در میان برخی از فرماندهان پرتغالی توانست آنها را قانع کند که آلبوکرک را وادار به عقب نشینی و بازگشت به هندوستان کند. آلبوکرک در نهایت تسلیم شد، اما حتی پس از عقب نشینی تعدادی از پرتغالی ها در هرموز ماندند و هرموز برای جلوگیری از حمله مجدد دشمن مجبور به رعایت مفاد قرارداد تحمیلی شد.

نتیجه گیری

در بررسی زوایای تاریخی سقوط هرموز به این نتیجه می رسیم که دو پدیده همزمان داخلی و خارجی تسریع کننده این سقوط و پیامد های ناشی از آن بوده اند. پایان عصر شکوه هرموز مقارن با رشد فزاینده قدرت دریایی استعمارگران پرتغالی بود که با تشکیل بزرگترین ناوگان دریایی جهان سرزمین های مختلفی را در آمریکا، آسیا و آفریقا به تصرف در آوردند. تقابل با چنین قدرت جهانی فراتر از ظرفیت نیروی دریایی ملوک هرموز و سایر قدرت های منطقه ای بود که متکی بر قابلیت های نظامی محلی و منطقه ای بودند. در این جا نقش حاکمیت مرکزی ایران به خوبی آشکار می شود که می توانست با حضور مؤثر و ایجاد یک جبهه فراگیر ملی به مقابله با تهاجم استعمارگران پرتغال بپردازد و از میراث این خطه از کشور دفاع کند. اما بحران سیاسی بین صفویان که در حال قدرت گیری در ایران بودند و ملوک هرموز، مانع از شکل گیری

هرگونه اتحادی میان آنها شد و در نتیجه در سایه تجربه و قدرت نظامی پرتغالی ها سنگر های مقاومت ملوک هرموز در خلیج فارس یکی پس از دیگری از هم پاشید. امری که مورخین ایرانی و اروپایی صرف نظر از اختلاف در مورد علل اصلی آن در خصوص پیامد آن اتفاق نظر دارند. این پیامد چیزی نبودند جز آغاز عصر استعمار در سراسر خلیج فارس و پایان عصر برتری دریانوردی ایرانیان بر خلیج فارس و مهمترین آبراه های منطقه. چرا که با سقوط هرموز مهمترین جبهه مقاومت محلی علیه استعمارگران نابود شد و خلیج فارس و سایر آبراه های مهم منطقه برای قرن ها به زیر سلطه استعمارگران درآمد.

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی ، حمید (۵۳۵۲) ، نیم قرن دربانوردی ایران ، بی نا.
- ۲- وثوقی، دکتر محمد باقر (۴۸۳۱) ، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار ، تهران ، سمت.
- ۳- اقبال، عباس (۸۲۳۱) ، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس ، تهران ، چاپخانه مجلس.
- ۴- اقتداری، احمد (۵۷۳۱) ، آثار شهرهای باستانی خلیج فارس ، تهران ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۵- محمد علی (۹۴۳۱) ، خلیج فارس و آشنایی با امارت آن ، تهران ، چاپ شریعت و شرق.
- ۶- شبانکاره ای (۳۶۳۱) ، مجمع الانساب ، تصحیح میر هاشم محدث ، تهران ، امیرکبیر.
- ۷- فلسفی، نصرالله (۵۷۳۱)، زندگانی شاه عباس اول ، تهران ، علمی.
- ۸- فیگوتروا، دنگ گارسیا دسیلدا (۳۶۳۱) ، سفرنامه ، ترجمه محمد سعیدی ، تهران ، نشر نو. القاسمی ، دکتر شیخ سلطان بن محمد (۳۸۳۱) ، ۹- دزدان دریایی خلیج فارس ، ترجمه دکتر محمد باقر وثوقی ، تهران ، نشر همسایه.
- ۱۰- کبابی ، سدید السلطه (۸۶۳۱) ، بندرعباس و خلیج فارس ، تصحیح احمد اقتداری ، تهران، دنیای کتاب.
- کِرچکو فسکی (۹۷۳۱) ، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، تهران ، علمی و فرهنگی.
- ۱۱- مستوفی ، حمدالله (۲۶۳۱) ، تاریخ گزیده ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران ، امیر کبیر. مرعشی صفوی ، میرزا محمد خلیل (۲۶۳۱) ، ۲۱- مجمع التواریخ ، تصحیح عباس اقبال ، تهران ، کتابخانه طهوری و سنایی.
- ۳۱- هادی، حسن (۱۷۳۱) ، سرگذشت کشتیرانی ایرانیان ، ترجمه امید اقتداری ، تهران ، شرکت به نشر .
- (۵۳۵۲) ، تاریخ دربانوردی ایرانیان ، سازمان کشتیرانی ملی آریا ، تهران.
- ۴۱- وثوقی ، محمد باقر (۰۸۳۱) ، تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس ، شیراز ، دانشنامه فارس.
- ۵۱- کازرون ، محمد ابراهیم (۷۶۳۱) ، تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس ، تصحیح دکتر منوچهر ستوده ، موسسه فرهنگی جهانگیری ، تهران.
- ۶۱- بینتام دیوید (۴۸۳۱) ، دمکراسی و حقوق بشر ، ترجمه سهراب رزاق ، تهران، نشر قطره .
- ۷۱- وود، اندروھی (۹۷۳۱) ، درآمدی برایدئولوژی های سیاسی ، ترجمه محمد رفیع مهر آبادی ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، تهران.